

بیمارستان سوم نیشابور به‌زودی وارد چرخه درمان می‌شود

علیرضا رئیسی معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پنج شهریور در مراسم افتتاح پایگاه سلامت و پایگاه اورژانس ۱۱۵ شهری «زنده‌یاد حاج محمد مقدسی» نیشابور اظهار کرد: نیشابور نمونه‌ای از انسجام در اجرای پروژه‌های حوزه سلامت است.

وی با اشاره به روند توسعه خدمات درمانی در نیشابور گفت: بیمارستان سوم نیشابور به زودی وارد چرخه درمان این شهرستان خواهد شد.

وی با اشاره به همدلی میان دستگاه‌های مختلف در اجرای پروژه‌ها افزود: انسجامی که در سطح کشور از آن سخن می‌گوییم، به نیشابور به خوبی قابل مشاهده است؛ جایی که همه با همکاری یکدیگر تلاش می‌کنند تا پروژه‌ها به سرانجام برسد. معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سرعت اجرای این طرح‌ها را نشانه جدیت مسئولان دانست و اظهار کرد: اینکه یک پروژه طی ۱۰ ماه به بهره‌برداری برسد نشان می‌دهد همه دستگاه‌ها وظایف خود را به درستی انجام داده‌اند.

وی بر اهمیت پیشگیری در حوزه سلامت

تأکید کرد و گفت: هرچه در حوزه پیشگیری

و اصلاح سبک زندگی هزینه کنیم، نیاز

کمتری به درمان‌های پرهزینه خواهیم داشت

و دیگر نیازی نیست به‌طور مداوم بیمارستان

و تجهیزات درمانی اضافه کنیم.

تصادفات جاده‌ای؛ ترمز جوانی جمعیت

گفت‌وگو با دکتر امیرصادق علیمردانی، متخصص طب اورژانس، عضو هیئت علمی و رئیس بخش اورژانس مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی حکیم نیشابور

هر روز ده‌ها جوان در جاده‌ها جان خود را از دست می‌دهند؛ حوادثی که نه‌تنها خانواده‌ها را داغدار می‌کند بلکه سرمایه انسانی کشور را از بین می‌برد. تصادفات جاده‌ای امروز به یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای سلامت جامعه و آینده جمعیت جوان ایران تبدیل شده است. در همین زمینه، با دکتر امیرصادق علیمردانی، متخصص طب اورژانس و رئیس بخش اورژانس بیمارستان حکیم نیشابور، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم تا ابعاد این بحران و راهکارهای کاهش آن بررسی شود.

آقای دکتر، شما سال‌ها در خط مقدم اورژانس یا مصدومان حوادث ترافیکی مواجه بوده‌اید. از منظر بالینی و اجتماعی، اهمیت پرداختن به این حوادث چیست؟
حوادث ترافیکی یک چالش جهانی است. بخش قابل توجهی از بیماران پذیرش‌شده در اورژانس، مصدومان همین حوادث هستند. این سوانح نه‌تنها به از دست رفتن نیروی جوان و کارآمد جامعه منجر می‌شوند، بلکه هزینه‌های سنگین مستقیم و غیرمستقیم بر خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کنند.

نایب فراموش کرد که بازماندگان نیز با آسیب‌های روانی و اجتماعی جدی مواجه می‌شوند. به همین دلیل، پیشگیری هم‌ردیف با درمان سریع و ایمن، جایگاهی ویژه یافته است.
در سطح بین‌المللی چه اقداماتی برای کاهش تصادفات انجام شده است؟
سازمان ملل متحد با همکاری سازمان جهانی بهداشت دستورالعملی تحت عنوان «دهه اقدام برای ایمنی راه‌ها» ارائه کرده است. اکنون در دهه دوم این برنامه (۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰) قرار داریم. هدف اصلی، کاهش ۵۰ درصدی مرگ‌ومیر ناشی از حوادث ترافیکی تا سال ۲۰۳۰ است. اهداف اختصاصی نیز شامل افزایش استفاده از کلاه ایمنی توسط موتورسواران، بستن کمربند ایمنی، استفاده از صندلی مخصوص کودکان و رعایت شرایط رانندگی ایمن است.

در تجربه بالینی شما، خواب‌آلودگی و سرعت چه نقشی در بروز حوادث دارند؟
خواب‌ناکافی، یعنی کمتر از ۵ ساعت در شبانه‌روزی، عامل ۱۵ تا ۲۰ درصد تصادفات است. رانندگی صبح زود بدون استراحت کافی نیز بسیار خطرناک است. توصیه سازمان جهانی بهداشت این است که در صورت احساس خواب‌آلودگی، راننده خودرو را متوقف کند و دست‌کم ۱۵ تا ۳۰ دقیقه استراحت داشته باشد.

عامل دیگر سرعت بالاست. حتی ایمن‌ترین خودروها و جاده‌ها هم در برابر سرعت غیرمجاز تسلیم می‌شوند. سرعت بیشتر، شدت حادثه و احتمال مرگ در صحنه را به طور مستقیم افزایش می‌دهد. رعایت سرعت مطمئنه و توجه به علائم جاده‌ای حیاتی است.

چگونه بالینی‌ها و پیشگیری را در مقایسه با درمان چگونه می‌بینید؟
امینت‌جاده از لحظه‌ای آغاز می‌شود که پیشگیری در اولویت باشد. رعایت اصول ایمنی و استفاده از تجهیزات حفاظتی می‌تواند به شکل چشمگیری آمار مرگ‌ومیر و آسیب‌های جبران‌ناپذیر را کاهش دهد. متأسفانه سهم مرگ‌ومیر ناشی از حوادث ترافیکی در ایران بالاتر از میانگین جهانی است. بنابراین توجه به این موضوع برای حفظ سلامت جامعه کاملاً ضروری است.

سخن پایانی شما برای شهروندان؟
دکتر علیمردانی: برای همه آرزوی سلامتی و سفرهای ایمن دارم. رعایت نکات ایمنی در رانندگی، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین، می‌تواند جان انسان‌ها را نجات دهد و مسافران را سالم به مقصد برساند.

این گفت‌وگو توسط معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی نیشابور تنظیم و منتشر شده است.

پس از هفت سال بار دیگر گذار من به نیشابور افتاد و چند روزی از تعطیل نوروزی را در جوار تربت خیام و عطار گذراندم. نیشابور از چند سال پیش که من دیده بودم تفاوت چندانی نکرده است، تنها تاکسی‌های پیکان به رنگ گل سرخ جای درشکه‌ها را گرفته‌اند؛ و بعضی خال و خط‌های تمدن جدید چون خشک‌شونی غول‌پیکر اکسپرس و شعبه کفش ملی و اعلان پتو برقی ناسیونال بر دیوارها بر آن اضافه گردیده و نام بعضی مغازه‌ها به زبان و خط فرنگی تغییر یافته‌اند، در اینجا نیز مانند شهرک‌های دیگر بهترین ساختمان‌ها متعلق به بانک‌هاست. از این چند بنای زرق و برق‌دار که بگذریم دیگر همه چیز رنگ و رو رفته غبار آلود و حقیر است؛ زندگی شهر مانند آب باریکی است که بر این دشت پهناور زیبا، آرام آرام می‌گذرد.

بین همه مغازه‌ها، تنها عطاریها هنوز کورسوی یادگاری از گذشته در خود دارند در کنار قوطی‌های روغن نباتی و جعبه‌های پودر رختشویی و بیسکویت و شامپو و خود کاربیک، هنوز کله‌های قند و قرضه‌های صابون محلی و طشت‌های نقل و آب نبات و کشک‌دیده می‌شوند؛ مخلوطی است از گذشته و حال و نشانه آخرین مقاومت شیوه زندگی‌ای که در پنجه آهنگین تمدن قوطی و قسط نفیض به شمار افتاده است.

بعضی از کاسب‌ها و گذرندگان را هنوز در لباس محلی می‌توان دید که این خود نیز گذشته دوری را به یاد می‌آورد. شال‌های سفید یا شیر و شکری به سر، و نیمته‌ها یا پالتوهای بلند بر تن، خطوط چهره و شیوه نگاه‌ها نیز حکایت‌گوی دیگری است از این گذشته؛ چشمه‌های ریز و فوق‌العاده درخشان و تیز چشم‌های مردمی که ناگزیر فروزان باشد و دور بنگرند، چشم‌هایی که همواره به راه‌اند برای آنکه ببینند چه کسی می‌آید، آیا خیر خوش دارد یا ناخوش، دشمن است یا دوست، چه می‌دانیم که نیشابور مصیبت کشیده‌ترین و پر حادثه‌ترین شهرهای خراسان بوده است، همچنین چشم‌هایی که باید در برابر آفتاب تند مقاومت بیاموزد و به افق خیره بماند تا ببیند که هوا بر سر مهر است یا کین.

بسیاری از سیماها اثری از حوادث خراسان قدیم را در خود دارند. نژاد [این شهر] در آبخیزهای از ایران و ترکمان و مغول است؛ خطوط چهره‌ها شاره‌های تاریخ هستند. فاصله بین حال و گذشته نیشابور بین حقارت امروز و شکوه دیروز بیش از یکی دو هزار

و رفته‌اند. همه آنچه هست هوا و دشت و زمین آنقدر زنده است که گویی به تازگی کاروان عظیمی از آن بار بر بسته و هنوز خاکستر اجاق‌هایشان گرم است.

در این چند روزی که من بودم گاهی هوا به اندازه‌ای لطیف بود که گفתי جوهر مست کننده‌ای در خود داشت. نسیم چون بر پوست گذر می‌کرد، گفתי چین و شکن برمی‌داشت مانند زلفی که فرود آید و بر صورت شما افشاندۀ شود. گفתי هوش مرموزی در تن هوا بود که خود را به اندازه می‌وزاند، پاورچین پاورچین می‌آمد و چون به بدن می‌رسید دامنش را بر می‌چید و خم می‌شد تا به نرم‌ترین شیوه، به نوازشندترین شیوه، گونه بر گونه‌ی شما بگذارد، هم تواضع و نیاز در نسیم بود و هم رعونت و نازندگی، مانند عروس.

پس از آنکه باران بارید و ایستاد، بوی گل با بوی گل آمیخته شد. (بوی بنفشه‌های ایرانی باغ خیام و شکوفه‌های زرد آلو نسیم شکوفه‌های زرد آلو را در هوا می‌پراکند و آنها رقصان رقصان فرود می‌آیند و بر زمین می‌نستند و این منظره، یادآور این گفته‌ی خیام بود که به نظامی عروضی گفته بود گوش در موضعی خواهد بود که هر بهاری شمال بر آن گل افشان کند و بعد نظامی عروضی بدیده بود که در درختان امرو و زرد آلو خاکش را از شکوفه پوشانده بودند.

تا چشم کار می‌کند خاک است که جایجا کشته‌ها پوشش سبزی بر آن کشیده‌اند. خود خاک به اندازه‌ای زیبا و نوازش‌دهنده است که آدم می‌تواند بگوید که اگر این مقدار سبزی هم نبود، نبود. آدم هوس می‌کند که این خاک بیغش و سرشار را در آغوش گیرد. به من گفته بودند که هر سحر ستاره عجیبی در آسمان نیشابور پدیدار می‌شود. یک شب سحر برخاستم و به تماشای آن رفتم. ستاره دنباله دار بود. دنباله نورانی‌اش به شکل دم طاووس بود و در جانب شرق ایستاده بود لحظه‌ای دیگر مثل جوجه تیغی‌ای به نظر من آمد که کله‌اش بسیار فروزان باشد و بدنش خیلی کشیده و تیغه‌هایش نورافشان. آسمان بی اندازه نزدیک می‌نمود و ستاره‌ها همگی شفاف بودند. سالها بود که آنها را به این درشتی و براقی ندیده بودم، مثل اینکه از آسمان خم شده بودند تا زمین را تماشا کنند. ماه شب بیست و یکم پریده رنگ بود و رو به لاغری می‌رفت؛



نمایی از باغ ملی نیشابور در دهه ۴۰

خرمن زده بود و هاله فرمزرنگی گردش بود؛ هر چه بطرف صبح می‌رفتم، هاله‌اش پررنگ‌تر می‌شد.

چون صبح نزدیک شد. به خیابان بین آرامگاه خیام و عطار رفتم تا دیدن آفتاب

را تماشا کنم. خورشید دقیقه‌ها پیش از آنکه طلوع کند، کوکبه‌اش از پشت کوه نمایان گردید. خرمن عظیمی از نور شیری رنگ به بالا کشیده شد و اندک‌اندک فزونی گرفت کمی بالاتر لکه‌هایی بود؛ گفתי باره‌هایی از حریر نارنجی رنگ و گلی رنگ بود که برزانیوی آسمان انداخته بودند؛ هر چه خورشید به دمیدن نزدیک‌تر می‌گشت این لکه‌ها درخشان‌تر و پررنگ‌تر می‌شدند. پیش از آنکه آفتاب طلوع کند، پرتوش از دور بر کنگره‌های جنوبی و غربی پدیدار شد و سپس به پایین خزید و سر انجام خیلی نرم و شرمگین بر کلبه‌های گلی و کشته‌ها افتاد. ناگهان از پس برف اندکی که بر ستنغ کوهها مانده بود خورشید دم زد. شعاعش مثل تیغی به چشم خورد. یکدفعه گفתי

نمایی از مسجد جامع نیشابور در دهه ۴۰

دنیا عوض شد. چند لحظه بعد همه یکپرش نمایان گردید، مثل لؤلؤ خیره‌کننده و بطرز وصف‌ناپذیری با شکوه مانند دریای از قلع مذاب بود.

با خود فکر کردم بیخود نبوده است که عده‌ای در مشرق زمین آفتاب پرست شده‌اند. در پهنه کانتات، هیچ چیز شکرف‌تر، رعب‌آورتر و احترام‌انگیزتر از خورشید نیست، ماه پریده رنگ و زبون در دامنه جنوبی آسمان هنوز ایستاده بود. دیگر جایی برای او نمی‌ماند. گفתי همه آنچه بود، در یک چشم برهم زدن رویش را بطرف خورشید برگرداند. رشفه کوهی که نیشابور را در میان گرفته در سمت شرق و شمال بینالوده نامیده می‌شود و در سمت غرب و جنوب کوه سرخ… بخصوص در قسمت شرق و شمال که به شهر نزدیک‌تر است، زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد؛ جایی کبود می‌نماید، جانی سرخ و جایی بنفش و بدن مخملی مواجش پر از ناز و پیر از شرم، به زن خفته‌ای مانده است.

گنبد و ایوان امامزاده محمد محروق هم در پر تو آفتاب و هم در نوری که شب برایش تعبیه کرده‌اند هر دو دیدنی است. بنظرم یکی از دلنوازترین بناهایی است که اکنون بنوان در خراسان دیدن کاشیکاری ایوان بطرز بسیار خوشی به همت انجمن آثار ملی در طی چهار سال صورت گرفته است و این مینماید که صنعت کاشیکاری هنوز در ایران نمرده است و می‌تواند زنده نگاه داشته شود. نقوش و رنگ کاشی‌ها کم و بیش به سبک دوره سلجوقی انتخاب شده و تزئین دو بدنه شرقی و غربی آن از مقبره شیخ صفی در اردبیل اقتباس گردیده بهر حال، این اثر می‌تواند مایه غرور انجمن آثار ملی باشد.

کمتر مزاری چون مزار عطار مین روح و احوال صاحبش است، تنها و باوقار و محبوب در گوشه‌ای از دشت. عطار که در حیات خود مرد تنهایی بود هنوز هم معظور است …. سر در پر خود فرو برده رهرو راهی که راه و مقصد یکی است . هدف همان رفتن است و بس سفر چون پایان‌ناپذیر می‌نماید، هیچ کس طاقت و حوصله

نیض بازار

گزارش تحلیلی و فنی بازار طلا

۴،۰۰۰ دلار برای انس جهانی محتمل‌ترین سناریوی صعودی است (۲۰۲۵-۲۰۲۶).

سناریوی محتاطانه: تثبیت قیمت بین ۳،۰۰۰-۳،۱۰۰ دلار که اثر محدود بر بازار داخلی خواهد داشت.

کوتاه‌مدت: حمایت‌های ۳،۱۲۰-۳،۱۸۰ دلار کلیدی

مقاله

وصف نیشابور ۵۰ سال پیش از قلم و نگاه اسلامی ندوشن

همراهی بی‌با و ندارد. سفری که وصفش را در منطق الطیر میبینم . از این رو کم کسی هست که عطار را خوانده باشد ، همه او را از دور تماشا می کنند .

در بین آنچه نامداران و بزرگان علم و ادب که در نیشابور زندگی کرده و مرده‌اند و اسامی آنها نزدیک دو هزارتن در تاریخ نیشابور آمده است . جای بسی تعجب است که فقط عطار و خیام باقی مانده باشد چون نیشابور چه بر اثر جنگ و چه بر اثر زلزله بارها در معرض زبر و رو شدن و انهدام قرار گرفته تعجب آور نیست که گورهای دیگر از بین رفته باشد. تعجب این است که فقط این دو برجای مانده‌اند . آیا این ناشی از اتفاق است و یا بدان مناسبت که آنهمه امیر و وزیر و عالم وقیبه و حکیم و ادیب، هیچ یک ارزش عطار و خیام را نداشته‌اند؟ تردیدی نیست که زمانه غریبان دارد و تنها دانه‌های خولی درشت را نگاه می‌دارد و نکته قابل توجه این است که



گاهی معیار او در سنجش اشخاص یا معیار مورخین و تذکره نویسان تفاوت بسیار میکند .

چون بر دشت وسیع نیشابور نگاه می‌کردم و گذشته شهر را به یاد می‌آوردم این فکر در سرم گذشت که چه خوب بود دانشگاهی برای مطالعه در فرهنگ و تمدن و تاریخ و هنر ایران در اینجا ایجاد می‌گردید؛ با توجه به این امر که خراسان از لحاظ فرهنگ و تمدن و تاریخ بارورترین سرزمین ایران بوده است و نیشابور طی قرنها مهم‌ترین مرکز فرهنگی این سرزمین به شمار می‌رفته، و نیز با توجه به این امر که نیشابور موقع جغرافیایی و طبیعی ممتازی دارد ایجاد چنین مؤسسه‌ای در آن از هر شهر دیگر مناسب‌تر است.

گذشته از گشادگی افق و خوشی هوا، خلوت نیشابور بهترین فرصت را به معلم و دانشجو و محقق می‌دهد، تا دور از هیاهو و زرق و برق شهرهای بزرگ به تحقیق و تحصیل و تفکر و تأمل پردازند. اگر قرار باشد که روزی در برابر این هجوم تمدن صنعتی کانون مقاومتی ایجاد شود جایی بهتر از نیشابور به دشواری می‌توان یافت.

در میان دانش پژوهان و دانشجویان نیشابوری چه خوب بود که یک یا چند تن هم می‌گردند و تاریخ نیشابور را می‌نوشتند. نیشابور یکی از عبرت‌انگیزترین و بارورترین تاریخ‌ها را دارد چه از لحاظ فرهنگی و چه از لحاظ وقایع ؛ و اگر سرگذشت آن نوشته شود گویاترین فصل تاریخ ایران بعد از اسلام را در بر خواهد گرفت کار را به این صورت می‌توان شروع کرد که در قدم اول همه مطالبی که در در متون فارسی و عربی راجع به نیشابور آمده‌اعم از شعر و نثر، استخراج گردد. سپس مطالبی که مستشرقین و سیاحان خارجی درباره آن نوشته‌اند به همین نحو بیرون آید. در قدم سوم بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خراسان می‌آید که نیشابور جزء عمده‌ای از آن است. آنگاه بر اساس این اطلاعات می‌توان تاریخ را شروع کرد. اگر کسانی آماده این کار باشند من نیز هر کمکی که از دستم بر آید، درج نخواهم کرد.

(۱) مجله بغما، شماره مسلسل ۲۵۹، شماره اول، فروردین ماه ۱۳۴۹، سال بیست و سوم.

هستند و شکست آنها می‌تواند اصلاح موقت ایجاد کند. ریسک ژئوپلیتیکی (Snapback): به‌عنوان کانالیزور قوی، می‌تواند تقاضای جهانی طلا را افزایش دهد و بازار داخلی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

بازه زمانی / ارتباط	هدف قیمتی (دلار/انس)
اواخر ۲۰۲۵	۲،۹۱۰
پایان ۲۰۲۵	۳،۱۰۰ تا ۳،۲۰۰
در صورت رکود اقتصادی	۳،۶۵۰-۴،۳۰۰ تا ۴،۵۰۰
۲۰۲۶-۲۰۲۷	۳،۰۰۰-۳،۲۰۰
طی ۳ ماه آینده	۳،۰۰۰
روزها تا هفته‌های آینده	حفظ ۳،۱۸۰ دلار، شرط صعود
کوتاه‌مدت	افت تا ۳،۰۹۰ دلار در صورت نشت ۳،۱۲۰

جدول ۱

عامل اقتصادی / سیاسی	تأثیر احتمالی بر طلا
Snapback تهدید	افزایش احساس ریسک، رشد تقاضا
بازگشت تحریم‌ها علیه ایران	بی‌ثباتی منطقه‌ای، صعود طلا
افزایش تقاضای پوششی	تثدید روند صعودی جهانی

جدول ۲

سناریوی محافظه‌کارانه (۳،۰۰۰-۳،۱۰۰ دلار):

بازار داخلی در همین محدوده‌های فعلی یا اندکی بالاتر نوسان خواهد کرد. طلا احتمالاً بین ۶ تا ۷ میلیون تومان (هر گرم ۱۸ عیار) و سکه امامی در محدوده ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان تثبیت می‌شود.

سناریوی تکنیکال کوتاه‌مدت: